

نیامکت

اقلیت‌ها

روپاهاشمی

آموزگار



پیشرفت رابطه، شروع خوبی بود. پر یا هنگام دیدن قسمت‌های مختلف مدرسه تا می توانست از خودش بر ایم گفت. من فهمیدم که پر یا خانم، دختر کلاس ششمی که به قول خودش عاشق کتاب و غذا و بازی است. لاقل در برقراری ارتباط با دوستان جدیدش دچار مشکل نخواهد شد! کم کم باید می رفتیم دفتر تا نتیجه دیده هایش را برای پدر و مادرش باز گو کند. پدر پر یا کنار پله ها منتظر دخترش ایستاده بود. پر یا هم به سرعت از من خداحافظی کرد و رفت سراغ پدرش تا مفصل همه چیز را تعریف کند.

کنار دفتر معاون آموزشی و مشاور مدرسه داشتند با یک خانمی آرام صحبت می کردند. دختر کوچکی کنار آن خانم ایستاده بود و به بچه ها نگاه می کرد. فکر کردم شاید دوست داشته باشد با بچه ها آشنا شود. از مادرش اجازه گرفتم و دخترک را پیش بچه ها بردم. او اولش خجالت کشید و کمی مقاومت کرد، اما بعد کنجکاو بر خجالتش غلبه کرد و با من آمد تا با هم یک دوری بزنیم. پرسیدم: «بگو ببینم اسم قشنگت چیه؟» خیلی آهسته گفت: «فرینا». گفتم: «می خواهی کلاس چندم بری؟» چشمانش برق زد و جواب داد: «اول». من هم با خوشحالی به او مژه مادم که چه خوب که به کلاس اول می رود چون اگر به مدرسه ما بیاید، دوست من معلمش می شود. او یکی از مهربان ترین معلم هایی هست که من تا به حال دیده خندیدم و به آرامی برگشت پیش مادرش. هنوز مشغول صحبت بودند. مادر فرینا به نظر راحت و غمگین می رسید.

مشاور مدرسه به او گفت: «هانا! هم شرمندهایم. از دست ما هم کاری بر نمی آید. به هر حال ما ماوریم و معذورا! فرینا با مادرش رفتند. به مشاور گفتم: «چه دختر خوبی بود! مثل این که می خواهی بره کلاس اول!» گفت: «بله. مامانش هم خیلی خانم خوبی بود. ولی این جانی تونه بیاد متأسفانه.» علتش را پرسیدم. مشاور مدرسه هم که معلوم بود خیلی متاثر شد در سکوت فرو رفت...

شمارش معکوس



عکس: نازک فخرنگران جوان

پای صحبت چند جوان و نوجوان در باره ۲ باره آمار ۲ بار شده مصرف مواد بین دانش آموزان در دهه ۸۰

دسته گل تازه دانش آموزی

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس در پاسخ به سوال «شهر وند» می گوید، تنها کاری که ما توانسته ایم انجام دهیم اعمال سیاست هایی بوده که اغلب مواقع غلط از آب در آمده و پیشرفتی نداشته ایم

جهان دوم

عملیات کبیر گنجشک کشی

در سال ۱۹۵۸ مانو، زاملار چین کمونیست برنامه ای بنام «تلوودی چهار بریلا» را به اجرا گذاشت. بنابراین برنامه که بخش نخست برنامه بزرگتری به نام «یک گام به جلو» بود، می نامست چهار بلای اصلی کشور، موش، پشه، مگس و گنجشکها را نابود کرد و از میان برداشت. دلیل هدف گرفتن گنجشک کشی «عملیات کبیر گنجشک کشی» مشهور شد، این تصور بود که گنجشک با خوردن غله جات و میوه ها، میزان برداشت محصولات کشاورزی را پایین می آورد.

بر اساس یک برنامه تبلیغاتی وسیع، به تمام مردم دستور داده شد که در اجرای این برنامه شرکت کنند. مردم با بهم زدن قلابمه و کفگیر در زیر درختان و ترساندن گنجشکها، آنها را از فرود آمدن می ترساندند. گنجشکها که جایی برای فرود آمدن پیدا نمی کردند، آنقدر پرواز می کردند که از خستگی جان می دادند و سقوط می کردند. علاوه بر آن برنامه های آهنگی و ترمیم آن طرح نزدیک به ۲۰ میلیون نفر جان خود را از دست دادند. در سال ۱۹۹۹ بار دیگر این برنامه در بخشی از چین به اجرا گذاشته شد که سن را جایگزین گنجشک کشی کرده بودند و پس از آن هم فرمان اجرایش در کشور صادر شد که در هر دو بار با عدم همکاری مردم، پایان یافت.

از صفحه گول بلاس sepehr nilgoon

Sepehr Nilgoon originally shared:

عملیات کبیر گنجشک کشی

در سال 1958 مانو، زاملار چین کمونیست برنامه ای بنام «تلوودی چهار بریلا» را به اجرا گذاشت. بنابراین برنامه که بخش نخست برنامه بزرگتری به نام «یک گام به جلو» بود، عملیات کبیر گنجشک کشی، مشهور شد، این تصور بود که گنجشک با خوردن غله جات و میوه ها، میزان برداشت محصولات کشاورزی را پایین می آورد.

بر اساس یک برنامه تبلیغاتی وسیع، به تمام مردم دستور داده شد که در اجرای این برنامه شرکت کنند. مردم با بهم زدن قلابمه و کفگیر در زیر درختان و ترساندن گنجشکها، آنها را از فرود آمدن می ترساندند. گنجشکها که جایی برای فرود آمدن پیدا نمی کردند، آنقدر پرواز می کردند که از خستگی جان می دادند و سقوط می کردند. علاوه بر آن برنامه های آهنگی و ترمیم آن طرح نزدیک به ۲۰ میلیون نفر جان خود را از دست دادند. در سال ۱۹۹۹ بار دیگر این برنامه در بخشی از چین به اجرا گذاشته شد که سن را جایگزین گنجشک کشی کرده بودند و پس از آن هم فرمان اجرایش در کشور صادر شد که در هر دو بار با عدم همکاری مردم، پایان یافت.

از صفحه گول بلاس sepehr nilgoon

بکنند. من یادم است که وقتی راهنمای بودم یکی از همکلاسی هاسیگار آورد بود مدرسه، به نظر نکشیده ناظم مدرسه متوجه شد و توبیخ شد. بچه ها هم خیلی تحت تأثیر هم هستند الان شنیده ام که مصرف گل بین شان زیاد شده است. خواهر من که پسر هم ۱۳ ساله ای دارد خیلی نگران این ماجراست و نمی داند چطور می تواند پیشگیری کند. فکر می کنم خانواده ها خیلی در این زمینه دست نداشته اند.

اگر نقش خانواده در این قضیه بگیریم، پیشگیری از شیوع مصرف مواد در بین دانش آموزان نیازمند همکاری وزارت آموزش و پرورش و ستاد مبارزه با مواد مخدر است. همان طور که معاون کاهش تقاضا و مشارکت های مردمی اعلام کرده است، این ستاد با نماینده آموزش و پرورش در جستجوی حلقه های مفقوده مبارزه با مصرف مواد، جلساتی داشته اند. همچنین کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی نیز در این زمینه جلساتی با ستاد مبارزه با مواد مخدر داشته است.

«شهلا میر گولی» بیات درباره این جلسات در گفتگو با «شهر وند» به یکی از این حلقه های مفقوده اشاره می کند که آنرها کسرن بچه ها در سنین پایین تر یعنی دبستان است: «جلسات بیشتر برنامه های اجرایی پیشتر برعهده نیروی نظامی وزارت کشور است. ضمن این که باید توجه کرد که مشکلات اینچنینی تنها از طریق کمیسیون درمان و بهداشت و با همکاری آن حل نخواهد شد. برعکس به نظر می آید مشکل استفاده دانش آموزان از مواد مخدر یک مشکل فرهنگی عمیق است که نیاز به ریشه یابی دارد و باید خیلی عمیق تر به آن پرداخت. کاری که همواره آموزش و پرورش انجام داده این بوده که در دوران دبیرستان نظارتها و کنترل ها را بیشتر کند. اما به نظر من این روش کاملا اشتباه است. وقتی شخصیت یک نفر شکل می گیرد و آگاهی ها، سراسر مواد مخدر می رود چه کاری می توان برای آن انجام داد، جز این که بتوان او را تهدید از انجام عملی یک کار باز داشت. این بچه ها اگر تحت بیشترین کنترل هم باشند باز خلوتی پیدا می کنند که در آن مواد مصرف کنند. اتفاقی که باید بیفتد این است که از پیش از دبستان و در دوران دبستان بچه ها را با خطرات و بیراهه بکشاند و در این بین تنها کاری که ما توانسته ایم انجام دهیم اعمال سیاست هایی بوده که اغلب مواقع غلط از آب در آمده و پیشرفت رو به جلویی نداشته است.»

سیگار که هم تکلیفش معلوم بود. شاید به جرأت بتوان گفت که ۹۰ درصد بچه ها تهر به سیگار کشیدن را داشتند. من که با هم سن و سال هایم معاشرت دارم می دانه که آمار مصرف مواد خیلی بیشتر از چیزهایی است که اعلام رسمی می شود. دختر و پسر هم ندارد. سیگار که برای همه عادی شده. بعد از سیگار هم «گل» کشیدن یک جور تفریح شده. حالا موقع دبیرستان بچه ها سعی می کنند این موضوع را از هم مسواقی کنند که کسی به خانواده هایشان اطلاع ندهد اما در دانشگاه که دیگر این موضوعها مطرح نیست و خیلی عادی مواد کشیدن در بین بچه ها رواج دارد. «پنجم» هم ۱۹ ساله است. از روزهای دبیرستانش زیاد نکشیده. در مورد گرایش هم سن و سال هایش به مواد مخدر در دوران دبیرستان می گوید: «همه چیز با یک کنجکاو ساده شروع می شد. یعنی همه نسبت به حس و حالی که مواد در آدم ایجاد می کند، کنجکاو هستند. خیلی از بچه ها هم می رفتند سراغ برطرف کردن این حس و مواد را هر از چند گاهی استفاده می کردند. اما خیلی ها هم می دانستند با همین یک بار مصرف کردن ممکن است همه چیز بهم بریزد و خیلی قاطعانه نمی پذیرفتند. به همین دلیل من فکر می کنم نظارت های بیشتر کاری از پیش نمی برد. مثلا در مدرسه ما یک دفعه می آمدند و شروع می کردند به گشتن کیف بچه ها. خوب معلوم بود که چیزی پیدا نمی کنند. کدام آدم عاقلی مواد را می گذارد توی جیبش و به مدرسه می آید. آنهایی که دوست داشتند سیگار بکشند یا موادی مصرف کنند هزار راه داشتند برای این که دست قانون های دست که در تنگنای قرار دارند، از طرفی سازد، با وجود این وضع هر فرد است که آینده را برایش رقم می زند و لازم است تا هنگامی که این دوره سپری شود، خانواده ها با مراقبت های لازم کمک کنند تا این سن سپری شود و در سپری شدن این سن مدرسه و آموزش های معلم ها هم می تواند موثر باشد.»

«سعید» ۲۳ ساله است، در زمان دبیرستان در یک مدرسه دولتی درس خوانده و می گوید: «معمولا سال های آخر دبیرستان گرایش بچه ها به مواد مخدر بیشتر می شود. مخصوصا موادی که اعتیاد جسمی نمی آوردند در بین بچه ها خیلی زیاد است. مثل کشیدن حبشش و مارچوبه اکثر بچه های که اطلاع داشتیم که مواد مصرف می کنند و سعی می کردند امارشان را توی مدرسه خراب نکنند. اکثر شان قرار های بعد از مدرسه داشتند برای کشیدن مواد

این کاره نبودند. در دانشگاه شاگردی بود با نمره الف که حبشش می زد. آنهایی که مواد مصرف می کردند بیشتر از دو قشر بودند یا اهل خلاف بودند و دلشان می خواست همه چیز را تجربه کنند یا زود تحت تأثیر قرار می گرفتند.»

«هرا» که خواهر و برادر نوجوان دارد درباره آمارهایی که از میزان اعتیاد در مدارس منتشر می شود، می گوید: «آمار و ارقام درباره پایین آمدن سن اعتیاد بسیار وحشتناک است و بیش از هر چیز نشان دهنده وضع وخیمی است که در جامعه وجود دارد. جامعه ای که در آن سن اعتیاد تا این حد پایین باشد و دسترسی بچه ها به مواد در آن به سهولت صورت بگیرد، دچار وضع اخلاقی و تربیتی ناپهنجاری است. فارغ از آمارها که نمی دانیم تا چه حد قابل اتکا هستند، آنچه دارای اهمیت است این است که حالا بچه ها در برخی مدارس هم به راحتی به مصرف مواد می پردازند.» او می گوید عوامل مختلفی در گرایش بچه ها به مواد موثر است و نمی شود فقط آن را مربوط به دوستان و گروه دوستی دانست: «از عوامل خانوادگی تا دوستان، فضای مجازی، ارتباط باز و خیلی چیزهای دیگر تأثیر دارد. با وجود این وضع هم تنها خانواده یا مدرسه نمی تواند کمک کند تا شرایط مناسب بشود و لازم است تا همه با همدیگر و با آموزش های درست وارد عمل شوند. یک زمانی آموزشی صورت می گیرد که نتایجش معکوس است و همین معکوس بودن نتیجه هم در حال و آینده بچه ها اثرات مخرب زیادی به جا می گذارد. آموزش ناپایده راه با اجبار و اصرار باشد و بچه ها احساس کنند که در تنگنای قرار دارند. از طرفی سازد، با وجود این وضع هر فرد است که آینده را برایش رقم می زند و لازم است تا هنگامی که این دوره سپری شود، خانواده ها با مراقبت های لازم کمک کنند تا این سن سپری شود و در سپری شدن این سن مدرسه و آموزش های معلم ها هم می تواند موثر باشد.»

«سعید» ۲۳ ساله است، در زمان دبیرستان در یک مدرسه دولتی درس خوانده و می گوید: «معمولا سال های آخر دبیرستان گرایش بچه ها به مواد مخدر بیشتر می شود. مخصوصا موادی که اعتیاد جسمی نمی آوردند در بین بچه ها خیلی زیاد است. مثل کشیدن حبشش و مارچوبه اکثر بچه های که اطلاع داشتیم که مواد مصرف می کنند و سعی می کردند امارشان را توی مدرسه خراب نکنند. اکثر شان قرار های بعد از مدرسه داشتند برای کشیدن مواد

طرح نو | هر بار که آمارهای مصرف مواد مخدر اعلام می شود، عده ای از مردم بیشتر از همه نگران می شوند. آنها که فرزندان نوجوان دارند و می دانند که سن خطر پذیری از همین جا آغاز می شود. مسئولان هم البته بی تفاوت نیستند. به تازگی معاون کاهش تقاضای ستاد مبارزه با مواد مخدر درباره پوشش پیشگیری از اعتیاد دانش آموزی اعلام کرده که این پوشش در حال حاضر ۸ تا ۱۰ درصد است، اما باید به بیش از ۴۰ تا ۵۰ درصد برسد. چرا که در پیشگیری اولیه جمعیت هدف، دانش آموزانی هستند که در اواخر مقطع راهنمایی تا اواسط دبیرستان تحصیل می کنند. آنهایی که روحیه ماجراجویانه تری دارند و خطر کردن، هیجان زندگی شان است. همین گروه سنی هستند که میزان شیوع مصرف مواد مخدر بین شان در دهه ۸۰ خورشیدی ۲ برابر شده است. نگرانی به حدی است که قرار است ارزیابی مصرف مواد مخدر در بین دانش آموزان از این به بعد هر سال انجام شود و به این ترتیب پاییز امسال ارزیابی جدید صورت خواهد گرفت.

شاید در بین آنهایی که می شناسیم کم نباشند نوجوان هایی که حداقل یک بار سیگار را امتحان کرده باشند یا درباره مصرف مواد، چیزهایی بین همکلاسی هایشان شنیده باشند.

«سپهر» ۲۳ ساله است اما به واسطه شغلش با نوجوانان دبیرستانی در ارتباط است و می گوید: «بیشتر سیگاری ها از این گروه سنی هستند که ما به مدرسه می رفتیم سیگار کشیدن بچه ها در دستشویی مدرسه تنها قافلان بود. آن هم فقط چند نفر محدود بودند. برای بقیه تابو بود. آن قدر این مساله عجیب بود که مسئولان مدرسه هم خیلی شک نمی کردند و معمولا نمی فهمیدند یکی از این بچه ها را یاد است که به اصطلاح قلدر مدرسه بود و شخصیت متفاوتی نسبت به بقیه داشت. سال دوم دبیرستان هم نزدیک بود از مدرسه اخراج شود البته نه به دلیل سیگار بلکه به خاطر دعوا. اما دوره ما با جدیدی ها فرق داشت. حالا خیلی پیش می آید از پسران نوجوان بشنوم که دارن درباره مصرف مواد صحبت می کنند. مثلا می گویند فلان میوه می رقتیم و فلان مواد را ذوقم و جدید بود. خیلی دلشان می خواهد تجربه کنند. گاهی هم توی پارک یا وقتی خانه های شان خالی می شود و به اصطلاح خودشان مکان می کنند برای مصرف این را در بچه هایی که متعلق به قشر بالا هستند بیشتر دیده ام. یکی شان هست که در کارخانه پدرش بچه مدرسه های را جمع می کند. همه شان اول دبیرستان هستند و خیلی «گل» مصرف می کنند و می بینی بین شان زیاد خوشحال می شوند. اگر هم کسی مصرف نکند معمولا می گویند ابله است.»

«صادق» که تازه دبیرستان را تمام کرده و وارد دانشگاه شده می گوید: «بیشتر سیگاری دانشم اما پیش می آید بچه هایی باشند که یکی، دو باری مواد زده باشند. اما توی مدرسه نبود. بیشتر وقتی با بچه ها خانه خالی پیدا می کردند مواد را امتحان می کردند. به خصوص در اول دبیرستان زیاد بودند. چون همه جور دانش آموزی در مدرسه مان بود و چند نفری بعد از اول دبیرستان ترک تحصیل کردند. کسی که به درس فکر می کرد و به مدرسه می آمد کمتر سراغ مواد می رفت. آنها که به سال های بعد دبیرستان می رفتند کمتر پیش می آمد موادمصرف کنند. البته خیلی هم به درس رفتار نداد. به بگویم بچه درسخوان خالی

باید توجه کرد که مشکلات اینچنینی تنها از طریق کمیسیون درمان و بهداشت و با همکاری آن حل خواهد شد. برعکس به نظر می آید مشکل استفاده دانش آموزان از مواد مخدر یک مشکل فرهنگی عمیق است که نیاز به ریشه یابی دارد.

وقتی شخصیت یک نفر شکل می گیرد و آگاهی ها، سراسر مواد مخدر می رود چه کاری می توان برای آن انجام داد، جز این که بتوان او را تهدید از انجام عملی یک کار باز داشت. این بچه ها اگر تحت بیشترین کنترل هم باشند باز خلوتی پیدا می کنند که در آن مواد مصرف کنند. اتفاقی که باید بیفتد این است که از پیش از دبستان و در دوران دبستان بچه ها را با خطرات و بیراهه بکشاند و در این بین تنها کاری که ما توانسته ایم انجام دهیم اعمال سیاست هایی بوده که اغلب مواقع غلط از آب در آمده و پیشرفت رو به جلویی نداشته است.»

کاش کسانی که در امر آموزش و پرورش متولی هستند می دانستند آیین نامه و قانون کلی راه به جایی نمی برد و این فرهنگ سازی و درونی کردن ارزش هاست که می تواند از چنین اتفاقاتی جلوگیری کند.

